

من و آخرین یائیز

ماحول

مرضیہ احمد

بر شناسه: حسونده، مرضیه.
عنوان و نام پدیدآور: من و آخرین پاییز مادرم / تألیف: مرضیه حسونده
مشخصات ناشر: ملایر، کبریا، ۱۳۹۲ = ۲۰۱۳ م.
مشخصات ظاهری: ۳۳۱ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۱-۵۲-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: فارسی
موضوع: شعر فارسی / قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م ۸۶۲۴ ح / PIR ۸۰۲۲
رده بندی دیویی: ۸ / ۱/۶۲



نشر کبریا

نام کتاب: من و آخرین پاییز

نویسنده: مرضیه حسونده

ناشر: کبریا

تاریخ چاپ: اول ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: معراج

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۱-۵۲-۹

تلفن: ۰۸۵۱-۲۲۱۱۱۴۵

مرکز پخش ملایر: نشر کبریا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۹.....	دلیوشته.....
۲۰.....	بخش اول : مثنوی و غزلیات
۲۱.....	مثنوی شمس.....
۲۳.....	مثنوی شمس.....
۳۶.....	هیاهوی ز.....
۳۸.....	شب قتهایی.....
۴۰.....	تا کهکشانش.....
۴۳.....	جان نگران.....
۴۵.....	دل بیچاره.....
۴۶.....	قصه ی دلدادگی.....
۴.....	دام تو.....
.....	دعای تو.....
۶۱.....	بشارت.....

۵۲.....شلاق زمان

۵۳.....آتش و آب

۵۵.....سبک تر از پرستو

۵۷.....خود بیان صفا

۵۹.....عالم

۶۱.....سر کمر روبا

۶۳.....غم عشق

۶۵.....دل دیوانه

۶۶.....دولت غم

۶۷.....ندای چشم

۶۸.....آشیانه

۶۹.....پشت سر قافله ها

۷۱.....مهمانی عشق

.....دام عشق

.....خاطرات متروک

شیشه عمر ۷۷

کشور جان ۷۸

ضریح ۷۹

هم ۸۰

عزیز شوق ۸۲

جلوه ۸۵

قبای شوق ۸۷

نماز عشق ۸۸

یوسف جان ۹۲

توشه ۹۴

لانه ۹۵

مرغ عشق ۹۶

مهر تو ۹۷

گلشن شادی ۹۸

یاد تو ۹۹

- طبيب درد ۱۰۰
- سجاده ی اشک ۱۰۱
- بیج و خم ۱۰۲
- از منت ۱۰۴
- ۱۰۵
- ۱۰۷
- ۱۰۹
- ۱۱۰
- ۱۱۳
- ۱۱۴
- ۱۱۶
- ۱۱۷
- ۱۱۸
-
-
-

عمر بی حاصل ۱۲۲

عطر حضور ۱۲۴

قلم حکمت ۱۲۵

گه ایا ۱۲۶

بابت ۱۲۸

لطف خدا ۱۳۱

رنگ تعلق ۱۳۲

چشم تو ۱۳۳

قرعه ۱۳۴

لاله پریشان ۱۳۵

جفا ۱۳۷

محیط اندوه ۱۳۸

بساط شادی ۱۴۰

خانه ی روی آب ۱۴۱

پیش کش ۱۴۲

- ۱۴۴ جام عشق
- ۱۴۶ مرغ بی دانه
- ۱۴۸ رخت سفر
- ۱۴۹ گ...
- ۱۵۰ م...
- ۱۵۱ رونق...
- ۱۵۳ ساحل
- ۱۵۵ آواز غم
- ۱۵۶ دار فنا
- ۱۵۷ زنجیر
- ۱۵۸ زورق شکسته
- ۱۶۰ داغ وصل
- ۱۶۲ تبسم
- ۱۶۵ اتفاق کن
- ۱۶۶ همای اقبال

۱۶۸		طایر بخت
۱۷۰		صحرای سبز
۱۷۱		دیده ی بیدار
۱۷۲		گدا عالمیان
۱۷۳		ح دل
۱۷۴		خزان شاد
۱۷۵		بر راه نسیم
۱۷۶		امید رحمت
۱۷۷		تمنا
۱۷۸		دریاب
۱۸۰		همراز
۱۸۱		اول و آخر
۱۸۲		در سایه ی تو
۱۸۳		دل غافل
۱۸۶		بندگی

۱۸۸..... روی تو

۱۹۰..... تمنای من

۱۹۱..... صد تمنا

۱۹۳..... در سینه

۱۹۵..... الوع

۱۹۶..... روح بهر نام

۱۹۷..... دفتر ما

۱۹۸..... بی وفايي

۱۹۹..... چوب تر

۲۰۱..... حديث هجر

۲۰۴..... مرغ خيال

۲۰۶..... جفاي يار

۲۰۷..... شاخه ي امير

۲۰۸..... كوچ

۲۰۹..... شاخه ي شكسته

- فرداها ۲۱۱
- غریب بی نشان ۲۱۲
- باده ی مقصود ۲۱۶
- آه ۲۱۷
- ویاز ۲۱۸
- باغ خیال ۲۲۰
- غمنامه ۲۲۳
- خمخانه ۲۲۴
- آه بی صدا ۲۲۶
- روزهای رفته ۲۲۹
- خانه ی دل ۲۳۰
- لشکر خیال ۲۳۲
- لطف تو ۲۳۴
- ساحل ۲۳۵
- فانوس ۲۳۶

۲۳۷ روزهای رفته

۲۳۸ بال پرواز

۲۴۰ مثنوی صیاد

۲۴۲ سروشیا

۲۴۴ آتش پنهان

۲۴۶ خوان

۲۴۸ تب دیدار

۲۴۹ سرنوشت

۲۵۰ مهمان

۲۵۲ کوچه باغ

۲۵۴ مسافر خیال

۲۵۵ قلب شکسته

۲۵۶ بدون تو

۲۵۷ هجران

۲۵۸ حرف آخر

۲۶۰.....	کشتی بخت
۲۶۱.....	مناجات بید
۲۶۴.....	کابوس
۲۶۶.....	مثنوی بناه گاه
۲۶۷.....	یوسف
۲۶۸.....	پنجشنبه های حاجت
۲۶۹.....	صبح سپید
۲۷۱.....	غم فردا
۲۷۳.....	دفتر تقدیر
۲۷۴.....	دل زمستانی
۲۷۵.....	زخم غربت
۲۷۶.....	دنبال تو
۲۷۷.....	ساحل غم
۲۷۸.....	اتفاق سبز
۲۸۰.....	اشک پنهان

۲۸۲..... آه سرکش

۲۸۴..... سراب گناه

۲۸۶..... بخش دوم: گدایی از فاطمه

۲۸۷..... نان

۲۹۰..... محتاج یک نگاه

۲۹۱..... لولای سوس

۲۹۳..... کبوترهای دانا

۲۹۸..... واژه ناخوانده

۳۰۰..... رمز حقیقت

۳۰۴..... بیا، بیا

۳۰۷..... بوی ظهور

۳۰۹..... سجده

۳۱۵..... شهید

۳۱۹..... بخش سوم: مادر

۳۲۱..... آخرین پاییز مادر

۳۲۲.....	به یاد مادر
۳۲۵.....	بیک مرگ
۳۲۷.....	آن شب سرد
۳۲۹.....	بی کسی
۳۳۰.....	بستو بی آشیان
۳۳۲.....	رشد ع
۳۳۴.....	دفتر پاره
۳۳۶.....	بخش چهارم: بغض هر هفته
۳۳۷.....	آوار تفرین
۳۴۱.....	گردباد تلخ
۳۴۳.....	پریش بی پاسخ
۳۴۶.....	ریا
۳۴۷.....	سنگ نوشته

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمُ لَا تَقْطَعُوا

رَحْمَةَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ

عَزِيزٌ غَفُورٌ ②

۵۵ سوره زمر

بگو ای بندگان من که اسراف کردید بر خودتان، نومید مشوید از
رحمت خدا، بدوستیکه خدا میامرزد گناهان را و بدوستیکه
اوست آمرزنده مهربان

دلنوشته

خدای خوب من سلام. سلام ای قشنگ ترین عشق من، حال مرا که می دانی چگونه است! این روزها می به گذشته می روم و برمی گردم؛ چقدر جای من آنجا خوی خالی است! از فرط اندوه چشמהایم را می بندم و اشک ریزم به خود می آیم و چشم باز می کنم خودم را در اینجا می بینم و امروز در آنجا ایستاده ام که به آخرین نقطه از زمان رسیده ام! فرصتها رفته اند، حسرتها بسیارند و آرزوهایم همه نقش بر آب گشتند! دارم کم کم به انتهای جاده می رسم با مردم گویم کاشکی پشت سرم را نگاهی کنم شاید کسی برای برگرداندنم بماند مرا! هنوز نمرده ام با صدایش زنده نگاه دارد، بغض گلویم را می سوزاند، حکم جاری می شود، دلم می شکند، پاهایم سست می شوند و دستهایم می لرزند! پس خدا کجاست؟! چرا صدایم نمی کند؟! چرا نمی آید که مرا برگرداند! من همچنان در انتهای جاده منتظرم تا بخشندگی دستهایش یک بار دیگر مرا از این بلای بزرگ و به دامان مهر خود برگرداند و این انتظار، باور تمام زندگی من است که او مرا برگرداند و من باید با او برگردم...

مرضیه حسونند

بخش اول

مثنوی و غزلیات